



● مریم زرنشان
● تصویرگر: مهسا تهرانی

عمو زنجیرباف

- عمو زنجیرباف: بله
- زنجیر منو بافتی: بله
- پشت کوه انداختی: بله
- بابا اومده.
- چی چی آورده؟
- نخودچی کشمش
- بخور و بیا.
- باصدای چی؟
- با صدای اااا.



با اشاره‌ی عصای عمو زنجیرباف، همه‌ی بچه‌ها صدای «ا» را بلند کشیدند. با صدای سوت بلبلی عمو زنجیرباف هم کلاس ساکت شد. عمو زنجیرباف با گچ سفید یک «ا» خوش حال و قدبلند روی تخته کشید. یک کلاه زیبا هم روی سرش گذاشت. شکل «آ» درست شد. دوباره خواند:

- عمو زنجیرباف: بله
- زنجیر منو بافتی: بله
- پشت کوه انداختی: بله
- بابا اومده.
- چی چی آورده؟
- نخودچی کشمش
- بخور و بیا.
- باصدای چی؟
- بچه‌ها با صدای بلند جواب دادند: «با صدای ب».



مری عزیز، پس از خواندن این مطلب، می‌توانید در کلاس فعالیت‌های راه‌یاب‌ها را به چند گروه تقسیم کنید. هر گروه یکی از صداها را که تا به حال در کتاب خوانده‌اند انتخاب کند و در قالب این شعر بخواند. سپس یک فعالیت مرتبط با آن انجام دهند. مثلاً اگر صدای دال را انتخاب کرده‌اند، شکل باد شوند و صدایش را در بیاورند. این فعالیت را می‌توانید زمانی که بچه‌ها صداهای بیشتری را یاد گرفته‌اند انجام دهید.

با اشاره‌ی عصای آموزنجیرباف، همه‌ی بچه‌ها صدای «ب» را کشیدند. عمو زنجیرباف با گچ قرمز «ب» خندان را روی خط زمینه کشید. دوباره با اشاره‌ی عصای عمو زنجیرباف، بچه‌ها با صدای بلند «آب» را خواندند. در همین موقع، عمو زنجیرباف یک لیوان آب آورد و تخته‌سیاه را با آن شست. دل تخته‌سیاه خنک شد و خستگی‌اش در رفت. آب از سر و روی تخته‌سیاه می‌چکید. بچه‌ها هم خوش حال بودند.



این صداها هر روز صبح از کلاس آقای حسن نیرزاده نوری، معلم پایه‌ی اول، شنیده می‌شد؛ معلمی که عمو زنجیرباف می‌شد و مهربانی، خوبی و الفبا را با شعر، نمایش و قصه به بچه‌ها یاد می‌داد.

